

رابطه بین جهت‌گیری مذهبی (درونی، بیرونی) و جنسیت، با اضطراب مرگ در میان دانشجویان

زهرا منصور نژاد*^۱، محمد باقر کجباف^۲

۱- کارشناس ارشد روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

zmansurnejad@yahoo.com

۲- دانشیار روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

M.b.kaj@edu.ui.ac.ir

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین جهت‌گیری مذهبی (درونی، بیرونی) و جنسیت، با اضطراب مرگ در بین دانشجویان انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی بود. ۴۰۰ نفر (۲۰۰ نفر زن، ۲۰۰ نفر مرد) به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب، و مقیاس اضطراب مرگ و پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی آلپورت را تکمیل کردند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از روش‌های آماری تحلیل واریانس دو راهه استفاده شد. نتایج به دست آمده از پژوهش نشان داد که بین جنسیت و اضطراب مرگ رابطه معنی‌داری وجود دارد ($p > 0/01$). همچنین، نتایج تحلیل واریانس نشان دهنده معنی‌دار نبودن تعامل بین وضعیت جهت‌گیری مذهبی و جنسیت بر اضطراب مرگ بود ($p < 0/05$)، اما اثر اصلی وضعیت جهت‌گیری مذهبی بر اضطراب مرگ معنی‌دار بود ($p > 0/001$)؛ به این معنی که دانشجویان با جهت‌گیری مذهبی درونی نسبت به دانشجویان با جهت‌گیری مذهبی بیرونی، دارای اضطراب مرگ پایین‌تر و دانشجویان زن نسبت به مرد دارای اضطراب مرگ بالاتری بودند. با توجه به نقش جهت‌گیری مذهبی درونی در کاهش اضطراب مرگ، می‌توان از آن به عنوان یک عامل مهم؛ با تقویت و افزایش آن؛ و همچنین آموزش جهت‌گیری مذهبی به منظور کاهش اضطراب مرگ در بین دانشجویان بهره‌برداری نمود.

واژه‌های کلیدی: جهت‌گیری مذهبی درونی، جهت‌گیری مذهبی بیرونی، جنسیت، اضطراب مرگ

مقدمه

در سال‌های اخیر، روند پژوهش در مورد مذهب و سلامت روان، پیشرفت فزاینده‌ای داشته است. بدون تردید، مرگ و زندگی پس از مرگ و نیز نگرش انسان به آن یکی از موضوع‌های اساسی مورد بحث در همه ادیان الهی به‌شمار می‌رود. با اینکه اشتغال ذهنی با مرگ در همه ادیان و افراد مذهبی روشی برای تدارک زندگی معنادار تلقی می‌شود، ولی پژوهش‌ها نشان داده است که اشتغال ذهنی با مرگ می‌تواند در برخی افراد مذهبی تولید اضطراب و افسردگی نماید (مالتبی و دی^۱، ۲۰۰۰). پس از سه دهه تحقیقات درباره ارتباط بین مذهب و اضطراب مرگ نتایجی دو پهلو حاصل شده است (فلاکینگ و هندل^۲، ۲۰۰۳). برای مثال، داف و هیونگ^۳ (۱۹۹۵)، فیفل و برانکامب^۴ (۱۹۷۳) و فیفل (۱۹۹۵) همبستگی مثبت معناداری را بین اضطراب مرگ و مذهب گزارش کردند، در حالی که آوارادو، تمپلر، برسلر، توماس بابسن^۵ (۱۹۹۵)، کراف، لت وین و باربر^۶ (۱۹۸۷)، فیفل و نگل^۷ (۱۹۸۱)، برمن وهیز^۸ (۱۹۷۳)، فیفل و برانکامب^۹ (۱۹۷۲)، تمپلر^{۱۰} (۱۹۷۲)، مارتین و رایزمن^{۱۱} (۱۹۶۵)، جفرز و همکاران^{۱۲} (۱۹۶۱) همبستگی منفی بین مذهب و اضطراب مرگ را نشان دادند.

لستر^{۱۳} (۱۹۹۹)، لیمینگ^{۱۴} (۱۹۸۰)، کارلی چگ^{۱۵} (۱۹۷۶) و تمپلر (۱۹۷۰)، در مطالعات خود گزارش دادند که هیچ همبستگی معناداری بین اضطراب مرگ و مذهب وجود ندارد. آدی^{۱۶} (۱۹۸۴)، و مک موردی^{۱۷} (۱۹۸۱) در پژوهش‌های خود دریافتند افرادی که به میزان زیادی اعتقادات مذهبی سنتی دارند و آنهایی که چنین اعتقادات مذهبی سنتی را به‌طور کامل رد می‌کنند، نسبت به افرادی که در نگرششان نسبت به اعتقادات مذهبی سنتی تصمیمی نگرفته‌اند و یا به‌طور کامل تسلیم این اعتقادات نشده‌اند، از اضطراب مرگ پایین‌تری برخوردارند. الیس^{۱۸} (۱۹۸۱) معتقد بود که مذهب با غیر منطقی بودن در ارتباط است. به اعتقاد او، افراد مذهبی نوعی تفکرات و رفتارهای جزم دارند که موجب نابسامانی وضع روانی آنها می‌شود. او معتقد بود افراد مذهبی بهداشت روانی ضعیف‌تری دارند. یافته‌های آردلت (۲۰۰۳) نشان داد که جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی، همبستگی مثبتی با بهزیستی آزمودنی و همبستگی منفی با ترس از مرگ و اجتناب از مردن دارد. هر چند جهت‌گیری مذهبی بیرونی همبستگی مثبتی با ترس از مرگ داشت، جهت‌گیری مذهبی درونی همبستگی مثبتی با رویکرد پذیرش مرگ داشت. در واقع، جهت‌گیری مذهبی درونی نسبت به جهت‌گیری مذهبی بیرونی، احتمالاً یک معناداری متعالی از زندگی و مرگ را فراهم می‌کند. همچنین، آردلت و کوینگ^{۱۹} (۲۰۰۶) در مطالعات خود یافتند که جهت‌گیری مذهبی درونی، به میزان

¹ - Maltby & Day

² - Falkenhain & Handal

³ - Duff & Hong

⁴ - Feifel & Branscomb

⁵ - Babsen

⁶ - Kraff, litwin & Barber

⁷ - Feifel & Nagel

⁸ - Berman & Hays

⁹ - Feifel & Branscomb

¹⁰ - Templer

¹¹ - Martin & Wrightsman

¹² - Jeffers etal

¹³ - Lester

¹⁴ - Ieming

¹⁵ - Kurleychek

¹⁶ - Aday

¹⁷ - Mc mordie

¹⁸ - Ellis

¹⁹ - Ardel & Koening

نسبت به افراد با جهت‌گیری مذهبی بیرونی از سطوح پایین معناداری از انواع مختلفی از اضطراب مرگ برخوردارند. نمونه مورد مطالعه آنها ۴۵ نفر از مردان و زنان ۶۵ ساله بودند که مقیاس جهت‌گیری مذهبی درونی و مقیاس چند بعدی اضطراب مرگ را کامل کردند.

نتایج به‌دست آمده از مطالعات تورسن و پوول (۲۰۰۶)، لونتسو و تمپلر (۱۹۸۶) و تورسن و پوول (۱۹۹۳) نشان داد که زنان از اضطراب مرگ بیشتری نسبت به مردان برخوردارند و افراد جوان‌تر نسبت به افراد پیرتر اضطراب مرگ بالاتری را گزارش دادند.

پیرس و همکاران،^۴ (۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان عنوان تفاوت‌های جنسیتی به هنگام اضطراب مرگ و جهت‌گیری مذهبی در میان دانشجویان دانشگاه و دانش‌آموزان دبیرستانی آمریکا نشان دادند که اضطراب مرگ در دانشجویان دختر با جهت‌گیری مذهبی بیرونی بالا می‌رود؛ همچنان که با افزایش جهت‌گیری مذهبی بیرونی در آن‌ها اضطراب مرگ افزایش یافته است. این تحقیق در ۱۱۸ دانشجوی پسر و ۲۵۷ دانشجوی دختر با مقیاس اضطراب مرگ جنتلر (۱۹۷۰) و با انجام زیر مقیاس‌های جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی از مقیاس آلپورت و راتلر (۱۹۶۷) انجام شده است. در نهایت، یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده تفاوت‌های معناداری از لحاظ جنسیتی در تبیین رابطه جهت‌گیری مذهبی بیرونی و اضطراب مرگ بوده است.

تحقیقاتی نیز در ایران درباره همبستگی منفی میان نگرش مذهبی با اضطراب مرگ و افسردگی انجام

زیادی با پذیرش مرگ همبستگی دارد و جهت‌گیری مذهبی بیرونی به میزان زیادی با اضطراب مرگ همبستگی دارد. تورستون و پوول^۱ (۱۹۸۹) در تحقیق خود از نمونه‌ای از مردان با میانگین سنی ۷۰ سال استفاده کردند و به این نتیجه دست یافتند که همبستگی مثبت معناداری بین جهت‌گیری مذهبی درونی و نمره‌های کامل آزمودنی‌ها در اضطراب مرگ وجود دارد. در مقابل، پوول و تورستون (۱۹۹۰) از یک نمونه جوان‌تر از مردان و زنان هر دو با میانگین سنی ۵۰ سال استفاده کردند و یافتند که ارتباط منفی معناداری بین جهت‌گیری مذهبی درونی و نمره‌های کلی آزمودنی‌ها در مقیاس اضطراب مرگ ($r = -0.362$, $P < 0001$) وجود دارد. همچنین، مطالعات رزماسن و جانسون^۲ (۱۹۹۴)، تمپلر (۱۹۷۲) همبستگی منفی بین جهت‌گیری مذهبی درونی و ترس از مرگ را نشان دادند.

تحقیقات ونیک و اسکات (۲۰۰۵)، روف، بادکوسینین و کلیما (۲۰۰۳)، پارک، کوهن و هرب (۱۹۹۰) نشان داد که بین جهت‌گیری مذهبی و اضطراب مرگ رابطه معنادار منفی وجود داشت؛ یعنی هر چه میزان درونی بودن مذهب بیشتر باشد، از مقدار اضطراب کاسته می‌شود. افراد دارای جهت‌گیری مذهبی بیرونی اضطراب مرگ بیشتر و افراد دارای جهت‌گیری مذهبی درونی اضطراب مرگ کمتری دارند (حیدری و همکاران، ۱۳۸۸).

پژوهش کلامینز^۳ (۱۹۹۸) با عنوان انگیزه مذهبی درونی و نگرش نسبت به مرگ در بین میانسالان روشن ساخت که افراد با جهت‌گیری مذهبی درونی

^۱ - Thorson & Powel

^۲ - Rasmussen & Johnson

^۳ - Clenents

^۴ -Pierce etal

۸ کلاس به صورت تصادفی انتخاب شدند و مورد آزمون قرار گرفتند. روش نمونه‌گیری از نوع تصادفی چند مرحله‌ای و حجم نمونه انتخاب شده ۴۰۰ نفر بود، که ۲۰۰ نفر آنها مرد و ۲۰۰ نفر آنها زن بودند که با میانگین سنی ۲۲/۱۷ سال در گستره سنی ۳۲-۱۸ سال قرار داشتند. بنابراین، از جمله ملاک‌های ورود دانشجویان به این پژوهش، دامنه سنی ۳۲-۱۸ سال و ملاک خروج از پژوهش، دانشجویانی بودند که در این محدوده سنی قرار نداشتند. پس از جمع‌آوری داده‌ها برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق نرم‌افزار SPSS (ویرایش ۱۵) و روش آماره‌های توصیفی و تحلیل واریانس دو راهه استفاده شد.

ابزارها

پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی آلپورت^۱: این پرسشنامه دارای ۲۰ ماده بود که ۱۱ ماده آن، به جهت‌گیری مذهبی بیرونی^۲ و ۹ ماده آن به جهت‌گیری مذهبی درونی^۳ مربوط بود. در سال ۱۹۶۳ فگین^۴ نسخه‌ای ۲۱ ماده‌ای ساخت که تمام گزینه‌های پرسشنامه آلپورت در آن انتخاب شده بودند و علاوه بر آن، یک گزینه دیگر نیز به آن افزود که این گزینه همبستگی بالایی (۰/۶۱) با جهت‌گیری بیرونی داشت و از آن پس این پرسشنامه بیشتر استفاده شد. طبق تحقیق آلپورت، همبستگی بین ماده‌های جهت‌گیری مذهبی درونی با ماده‌های جهت‌گیری مذهبی بیرونی (۰/۲۱-) بود. در تعدادی از مطالعات دیگر، از جمع مطالعات فگین، همبستگی

شده است که از آن میان می‌توان به تحقیقات امینی و ملکشاهی (۱۳۸۰)، بیرشک و همکاران (۱۳۸۰)، مختاری و همکاران (۱۳۸۰)، گل‌دار و ساکی (۱۳۸۰)، بهرامی (۱۳۸۱) آزموده و شهیدی (۱۳۸۶)، خداپناهی و خاکسار بلداجی (۱۳۸۴)، حیدری و همکاران (۱۳۸۸) اشاره نمود. در این تحقیقات به این نکته اشاره شده است که افراد دارای جهت‌گیری مذهبی درونی؛ یعنی افرادی که معتقدند مذهب در ریشه آن‌ها وجود دارد، در مقایسه با افرادی که جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارند؛ یعنی مذهب را وسیله‌ای برای دستیابی به چیزهای دیگری می‌دانند، سلامت روانی بیشتری دارند. از آنجایی که در ایران تحقیقات اندکی درباره مذهب و اضطراب مرگ صورت گرفته و با توجه به این‌که نتایج ضد و نقیضی درباره رابطه جهت‌گیری مذهبی، جنسیت و اضطراب مرگ وجود دارد، این پژوهش می‌تواند گامی در این راستا باشد. در این تحقیق، چنین فرض شد که افراد دارای جهت‌گیری مذهبی درونی نسبت به افراد دارای جهت‌گیری مذهبی بیرونی، از اضطراب مرگ کمتری برخوردارند. همچنین، زنان نسبت به مردان از اضطراب مرگ بیشتری برخوردارند.

روش

این مطالعه از نوع مطالعات توصیفی - همبستگی است. جامعه این تحقیق کلیه دانشجویان (دختر و پسر) دانشگاه علامه طباطبایی بودند که در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸ تحصیل می‌کردند. از میان ۶ دانشکده موجود در دانشگاه علامه طباطبایی ۴ دانشکده به تصادف انتخاب شدند و از هر دانشکده

^۱ - Alport, s Religious Orientation scale

^۲ - External Religious Orientation

^۳ - Internal Religious Orientation

^۴ - Fegean

مقیاس اضطراب مرگ با مقیاس اضطراب آشکار بود (رجبی و بحرانی، ۱۳۸۰).

یافته‌ها

برای بررسی تفاوت بین وضعیت جهت‌گیری مذهبی (درونی و بیرونی) و جنسیت از روش آماری تحلیل واریانس استفاده شد. یک آزمون تحلیل واریانس دو راهه (جنس * جهت‌گیری مذهبی) برای بررسی اثرهای اصلی و تعاملی متغیرها بر متغیر وابسته (اضطراب مرگ) انجام شد. همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، نتیجه تحلیل واریانس نشان‌دهنده معنی‌دار بودن اثر اصلی جهت‌گیری مذهبی ($F=29/998$ ، $P<0/001$) بر اضطراب مرگ بود. از این رو، با توجه به اینکه میانگین نمره‌های دانشجویان از لحاظ اضطراب مرگ در افراد با جهت‌گیری مذهبی بیرونی بالاتر بود، می‌توان نتیجه گرفت که افراد با جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارای اضطراب مرگ بیشتری نسبت به افراد با جهت‌گیری مذهبی درونی هستند. همچنین، اثر اصلی جنسیت نیز بر اضطراب مرگ معنی‌دار بود ($F=0/209$ ، $P<0/01$). با توجه به معنی‌دار نبودن تعامل بین جنسیت و جهت‌گیری مذهبی ($F=0/174$ ، $P>0/05$) بر اضطراب مرگ، اثر معنی‌دار جنسیت بر تجربه اضطراب مرگ را با لحاظ این اطلاعات نمی‌توان به وضعیت جهت‌گیری مذهبی نسبت داد.

جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی ۰/۲۰- بود. به‌علاوه، اعتبار پرسشنامه به وسیله جان بزرگی (۱۳۷۷) با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۴ و به وسیله مختاری، اللهیاری و رسول زاده طباطبایی (۱۳۸۰)، ۰/۷۱ گزارش داده شده است.

مقیاس اضطراب مرگ^۱: این مقیاس شامل ۱۵ ماده است که نگرش آزمودنی‌ها را به مرگ می‌سنجد. آزمودنی‌ها پاسخ‌های خود را به هر سؤال با گزینه‌های بلی یا خیر، مشخص می‌کنند. پاسخ (بلی) نشان‌دهنده وجود اضطراب در فرد است. بدین ترتیب، نمره‌های این مقیاس می‌تواند بین صفر تا ۱۵ متغیر باشد که نمره بالا معرف اضطراب زیاد افراد در مورد مرگ است. بررسی‌های انجام شده درباره روایی و پایایی مقیاس اضطراب مرگ نشان می‌دهد که این مقیاس از اعتبار قابل قبولی برخوردار است. در فرهنگ اصلی، ضریب پایایی با بازآزمایی مقیاس ۰/۸۳، روایی همزمان به وسیله همبستگی آن با مقیاس اضطراب آشکار ۰/۲۷ و با مقیاس افسردگی ۰/۴۰ گزارش شده است (رجبی و بحرانی، ۱۳۸۰). پایایی و روایی این پرسشنامه را در ایران رجبی و بحرانی (۱۳۸۰) بررسی کرده و بر این اساس، ضریب پایایی تصنیفی را ۰/۶ و ضریب همسانی درونی را ۰/۷۳ گزارش کرده‌اند. برای بررسی روایی مقیاس اضطراب مرگ، از دو آزمون مقیاس نگرانی مرگ و مقیاس اضطراب آشکار استفاده شد که نتیجه آن ۰/۰۴ برای ضریب همبستگی مقیاس اضطراب مرگ با مقیاس نگرانی، و ۰/۳۴ برای ضریب همبستگی

¹ - Death Anxiety Scale

جدول ۱. نتایج تحلیل واریانس دو راهه اضطراب مرگ با وضعیت جهت‌گیری مذهبی و جنس

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری	میزان تاثیر	توان آماری
جنس	۱۶/۶۳۷	۱	۱۶/۶۳۷	۰/۲۰۹	۰/۰۱	۰/۱۶	۰/۹۳
جهت‌گیری مذهبی	۱۹۰۶/۰۳	۱	۱۹۰۶/۰۳	۲۹/۹۹۸	۰/۰۰۱	۰/۱۴	۰/۹۰
جنس*جهت‌گیری مذهبی	۷۰۶/۷۴۰	۱	۷۰۶/۷۴۰	۰/۱۷۴	۰/۰۹	۰/۰۴	۰/۸۴
پراکندگی درون گروهی	۶۷۰۳/۳۰۵	۴۹۸	۶۷۰۳/۳۰۵				

از میانگین اضطراب مرگ در مردان ($M=۲/۸۶$)،
 بود. ($M=۵SD$)

بحث و بررسی

نتایج حاصل از پژوهش حاضر، گویای آن است که افراد دارای جهت‌گیری مذهبی درونی نسبت به افراد دارای جهت‌گیری مذهبی بیرونی از اضطراب مرگ کمتری برخوردارند. یافته پژوهشی حاضر با پژوهش‌های قبلی، از جمله آلوارادو، تمپلر، برسلر، توماس بابسن (۱۹۹۵)، رزمانسن و جانسون (۱۹۹۴)، پوپول و تورستون (۱۹۹۰)، کلامینز (۱۹۹۸)، کراف، لت وین و باربر (۱۹۸۷) فیفل و نگل (۱۹۸۱)، تمپلر (۱۹۷۲)، برمن و هیز (۱۹۷۳)، فیفل و برانکام (۱۹۷۲)، مارتین و رایزمن (۱۹۶۵)، تمپلر (۱۹۷۲)، جفرز و نکسون و ایسدرفر (۱۹۶۱) هماهنگ است. در تبیین این یافته می‌گفت که تجربه افراد دارای جهت‌گیری مذهب درونی و بیرونی از رویدادهای زندگی متفاوت است. طبیعی است که افراد دارای مذهب درونی می‌کوشند رویدادها را به شکل مثبت‌تر و به شکل تقدیرهای الهی در نظر بگیرند و بنابراین از پذیرش مرگ بیشتر و در نتیجه، از اضطراب مرگ

چنین فرض گردید که تعامل معناداری بین جنسیت و جهت‌گیری مذهبی بر اضطراب مرگ وجود دارد. نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که این فرضیه تایید نشده است ($p>۰/۰۵$). فرضیه دیگر پژوهش مبنی بر این که زنان از اضطراب مرگ بالاتری نسبت به مردان برخوردارند تایید شده است ($p<۰/۰۱$). میزان تاثیر ۰/۱۶ بوده است و توان آماری ۰/۹۳ است که نشان می‌دهد حجم نمونه برای بررسی فرضیه کافی بوده است. همچنین، فرض سوم پژوهش این که افراد با جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارای اضطراب مرگ بیشتری نسبت به افراد با جهت‌گیری مذهبی درونی هستند نیز تایید می‌شود ($p<۰/۰۰۱$). میزان تاثیر ۰/۱۴ بوده است و توان آماری ۰/۹۰ نشان‌دهنده کافی بودن حجم نمونه است. از سوی دیگر، میانگین اضطراب مرگ در بین افراد با جهت‌گیری مذهبی درونی ($M=۲/۹۱$)، کمتر از میانگین اضطراب مرگ در بین افراد با جهت‌گیری مذهبی بیرونی ($M=۳/۱۶$)، ($M=۵/۹۵SD$) در هر دو جنس بود. همچنین، میانگین اضطراب مرگ در زنان ($M=۵/۷۸$, $SD=۳/۲۳$) بالاتر

درونی با عملکرد مثبت افراد و سازگاری آنها رابطه مثبت و با میزان اضطراب در بین دانشجویان ارتباط منفی دارد. نتیجه تحقیق آلوارادو و همکاران (۱۹۹۵) نیز نشان داد که در سنین پیری، نگرش مذهبی قوی باعث کاهش اضطراب و افسردگی مرگ می‌شود.

یافته پژوهش حاضر و پژوهش‌های نامبرده در تضاد با پژوهش‌های داف و هیونگ (۱۹۹۵)، فیفل و برانکامب (۱۹۷۳) و فیفل (۱۹۹۵) و تورسون و پوول (۱۹۸۹) است. این پژوهشگران، در پژوهش‌های خود دریافتند که افراد مذهبی از اضطراب مرگ بالاتری برخوردارند. ایس (۱۹۸۱) در گزارش‌های خود ادعا می‌کند افراد مذهبی دارای اغتشاشات هیجانی بیشتری در مقایسه با افراد غیر مذهبی‌اند و تاکید می‌کند که مناسب‌ترین راه درمان و حل مشکلات هیجانی، فقط راه‌های غیر مذهبی است. وی معتقد بود که مذهبی بودن افراطی به طور درخور توجهی با اغتشاش‌های هیجانی رابطه دارد. در تبیین این تفاوت یافته‌ها می‌توان به بحث تفاوت‌های فردی و فرهنگی زیادی که در جنبه‌های گوناگون مرگ وجود دارد و موجب اضطراب می‌شود، اشاره کرد. نتایج تحقیق در این فرضیه که زنان نسبت به مردان از اضطراب مرگ بالاتری برخوردارند، هماهنگ با پژوهش‌های تورسن و پوول (۲۰۰۶)، لونتو و تمپلر (۱۹۸۶) و تورسن و پوول (۱۹۹۳)، پییر، کوهن، چامبرز، مید (۲۰۰۷) است. یک تبیین می‌تواند این باشد که زنان احتمالاً احساس‌های آزاردهنده مربوط به مرگ و میر را بیشتر می‌پذیرند و مردان بیشتر از آن اجتناب می‌کنند؛ توجهی که با بیانگری هیجانی بیشتر زنان در طول عمر هماهنگ است. پیشنهاد می‌شود که در

کمتری برخوردارند. پژوهش آردلت (۲۰۰۳) و آردلت و کوینگ (۲۰۰۶) تاییدکننده این موضوع است. به اعتقاد هودوموریس (۱۹۸۳) افراد با جهت‌گیری مذهبی درونی نسبت به افراد با جهت‌گیری مذهبی بیرونی از اضطراب مرگ کمتری برخوردارند، به این علت که آنها اعتقاد دارند برای رفتارهای مذهبی خود پس از مرگ پاداش خواهند گرفت. جانگ^۱ (۱۹۶۵) معتقد است همه مذهب‌های بزرگ جهان یک آمادگی برای مرگ فراهم می‌کنند و در نتیجه، افرادی که از اعتقادات مذهبی درونی و قوی‌تری برخوردارند، مرگ را به عنوان یک فرایند طبیعی از زندگی می‌دانند، مرگ برای این افراد حسی از معنی در زندگی فراهم می‌سازد. در افراد با مذهب درونی، آگاهی از اجتناب‌ناپذیر بودن مرگ به عنوان یک بحران وجودی، ذاتا افراد را به نیاز برای یافتن معنی در زندگی و دیدگاه پذیرش مرگ به‌جای اضطراب مرگ هدایت می‌کند. افراد با جهت‌گیری مذهبی درونی دارای مذهبی فراگیر و با اصول سازمان یافته‌اند و ارزش‌های مذهبی در این افراد به مثابه هدف است و ارزش‌ها و نیازهای غیر مذهبی هر چقدر هم که مهم باشند، برای آنها اهمیت کمتری دارند، اما افراد با جهت‌گیری مذهبی بیرونی، مذهب را برای رفع نیازها، کسب آسایش و امنیت فردی و اجتماعی و جلب نظر اجتماعی مورد توجه قرار می‌دهند و دوست دارند. به عبارت دیگر، برای این افراد مذهب وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف دیگری که برای آنها مهم است، تلقی می‌شود.

مطالعه‌ای که به وسیله برگن، ماستر و ریچارد^۲ در سال (۱۹۸۷) انجام شد، بیانگر آن است که مذهب

^۱ - Jung

^۲ - Bergin, Masters & Richards

منابع

آزموده، پ.، و شهیدی، ش. ع. (۱۳۸۶). «رابطه بین جهت‌گیری مذهبی با سرسختی و شادکامی در دانشجویان»، *مجله روان‌شناسی*، ۴۱، ۶۰-۷۴.

امینی، ف.، و ملکشاهی، ف. (۱۳۸۰). «بررسی تاثیر دعا بر کاهش اضطراب قبل از امتحان در دانشجویان دانشکده‌های پرستاری و مامایی خرم‌آباد در سال ۱۳۷۹»، *چکیده مقالات اولین همایش بین‌المللی نقش دین در بهداشت روان*، سال پنجم، ش ۱۹، ۳۸-۴۲.

جان بزرگی، مسعود. بررسی اثربخشی روان درمانگری با و بدون جهت‌گیری مذهبی اسلامی بر اضطراب و تنیدگی. *مجله روان‌شناسی*، ۱۳۷۷؛ سال دوم، شماره ۸.

حیدری، ا.، خلیلی شرفه، ف.، و خداپناهی، م. (۱۳۸۸). «رابطه مذهب با اضطراب مرگ و هیجان خواهی»، *مجله روان‌شناسی*، ش ۵۱، ۳۳۵-۳۴۱.

خداپناهی، م.، و خاکسار بلداجی، م. (۱۳۸۴). «رابطه جهت‌گیری مذهبی و سازگاری روان‌شناختی در دانشجویان»، *مجله روان‌شناسی*، ۳۵، ۳۱۰-۳۲۰.

رجبی، غ.، و بحرانی، م. (۱۳۸۰). «تحلیل عاملی سؤال‌های مقیاس اضطراب مرگ»، *مجله روان‌شناسی*، ۳۴۴، ۲۰-۳۳۱.

گله‌دار، م.، و ساکی، م. (۱۳۸۰). «تاثیر قرآن بر کاهش اضطراب پیش از آزمون دانشجویان»، *چکیده مقالات اولین همایش بین‌المللی نقش دین در بهداشت روان*، سال پنجم، ش ۱۹، ۴۸-۵۲.

مختاری، ع.، الهیاری، ع.، و رسول‌زاده طباطبایی، ک. (۱۳۸۰). «رابطه جهت‌گیری مذهبی با میزان تنیدگی»، *مجله روان‌شناسی*، ش ۱۷، ۶۷-۵۶.

پژوهش‌های آینده نقش متغیرهای تعدیل‌کننده و میانجی‌گر دیگر را برای کمک به فهم بیشتر این رابطه و شناسایی عوامل تاثیرگذار بررسی کنند. براین اساس، با توجه نقش نگرش مذهبی در سلامت روان افراد، و با توجه به اینکه رابطه بین جهت‌گیری مذهبی و اضطراب مرگ از شفافیت لازم برخوردار نیست، انجام پژوهش‌هایی در این مسیر، در فرهنگ‌های مختلف، از جمله جوامع اسلامی ضروری به نظر می‌رسد و مسؤولان جامعه از جمله مسؤولان فرهنگی باید توجه بیشتری داشته، برنامه‌های خاصی را در جهت گسترش جهت‌گیری مذهبی مناسب پیش‌بینی کنند.

پیشنهادها:

از آنجا که نمونه پژوهش حاضر را دانشجویان تشکیل داده‌اند، به نظر می‌رسد که در تعمیم یافته‌های پژوهش به سایر طبقات اجتماعی و سایر گروه‌های سنی باید احتیاط کرد، زیرا احتمال تفاوت در نگرش‌های مربوط به مرگ با توجه به عوامل جمعیت‌شناختی وجود دارد (فessler و ناوارت، ۲۰۰۵). در پژوهش حاضر، امکان دسترسی به نمونه‌هایی از گروه‌های سنی مختلف، از جمله میانسالان و افراد مسن به منظور مقایسه یافته‌ها فراهم نشد و چون نوع جهت‌گیری مذهبی و به تبع آن مساله اضطراب در گروه‌های سنی و جنسیت متفاوت است، پیشنهاد می‌شود یافته‌های پژوهش حاضر در نمونه‌های دیگر بررسی شود.

- Aday, R.H. (1984). Belief in after life and death anxiety: correlates and comparisons. *Omega*, 15, 67-75.
- Alvarado, K.A., Templer, D.I., Bresler, C., & Thomas-Dobson, S. (1993). The relationship of religious variables to death depression and death anxiety. *Journal of Psychology*, 51, 202-204.
- Ardelt, M. (2003). Effects of Religion and Purpose in Life on Elders' Subjective Well-Being and Attitudes Toward Death. *Journal of Religious Gerontology*, 14(4), 125-129.
- Ardelt, M., & Koenig, C. (2006). The role of religion for hospice patients and relatively healthy older adults. *Research on Aging*, 28, 184-215.
- Bergin, A.E., Masters, K.S., & Richards, S.P. (1988). Religiousness and mental health reconsidered: A study of an intrinsically religious sample. *Journal of Counseling Psychology*, 34(2):197-204.
- Berman, A., & Hays, J. (1973). Relationship between death anxiety, belief in afterlife, and locus of control. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 41, 318.
- Clements, R. (1998). Intrinsic Religious Motivation and attitude toward Death among the Elderly. *Current Psychology*, 17, 237-248.
- Duff, R. W., & Hong, L. K. (1995). Age density, religiosity and death anxiety in retirement communities. *Review of Religious Research*, 37, 19-32.
- Ellis, A. (198). Religiosity and rational emotive Psychotherapy. *Theory, Research, and Practice*, 18, 155-159.
- Falkenhain, M., & Handal, P. (2003). Religion, Death Attitudes and Belief in afterlife in the Elderly: Untangling the Relationships. *Journal of Religion and Health*, 42, 1, 138-142.
- Feifel, H. (1959). *Attitudes toward death in some normal and mentally ill populations. The meaning of Death*. New York: McGraw-Hill.
- Feifel, H., & Branscomb, A. B. (1972). Who's afraid of death? *Journal of Abnormal Psychology* 81, 282-288.
- Feifel, H., & Nagel, V.G. (1981). Another look at fear of death. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 49, 278-286.
- Fessler, D. M. T. & Navarrete, C. D. (2005). The effect of age on death disgust: Challenges to terror management perspective. *Evolutionary Psychology*, 3, 279-296.
- Hood, R. W., & Morris, R. J. (1983). *Toward a theory of death transcendence*, 22, 353-365.
- Jeffers, F.C., Nichols, C.R., & Eisdorfer, C. (1961). Attitudes of older persons to death. *Journal of gerontology*, 16, 53-56.
- Jung, C. G. (1965). *The soul and death*. In Feifel, H. (Ed.), *The meaning of death*. New York: McGraw-Hill Book Company.
- Kraft, W. A., Litwin, W. J., & Barber, S. E. (1987). Religious orientations and assertiveness: Relationship to death anxiety. *The Journal of Social Psychology*, 127, 93-95.
- Kurleychek, R. T. (1976). Level of the belief in afterlife and four categories of fear and death in a sample of 60_ year olds. *Psychological Reports*, 38, 228-230.
- Leming, M. R. (1980). Religion and death: A test of Homan's thesis. *Omega*, 10, 347-364.
- Lester, D. (1990). The Collett-Lester Fear of Death Scale: The original version and a revision. *Death studies*, 14, 451-468.
- Lonetto, R. & Templer, D. I. (1986). *Death anxiety*. Washington, DC: Hemisphere.
- Maltby, J., & Day, L. (2000b). The reliability and validity of the death obsession scale among English university and adult samples. *Personality and Individual Differences*, 28, 695-700.
- Martin, D., & Wrightsman, L. S. (1965). The relationship between religious behavior and concern about death. *Journal of Social Psychology*, 65, 317-323.
- Mc Mordie, W.R. (1981). Religiosity and fear of death: strength of belief system. *Psychological Reports*, 49, 921-922.
- Pierce, J., Cohen, A., Chamberce, J., Meade, R. (2007). Gender differences in this anxiety and religious orientation among US high school & college students. *Mental health religion*. *Cultuer*, 10, .2,

- Publisher.Routledge GE,PP..143-1500.
Available at www.informaworld.com.
- Rasmussen, C. H., & Johnson, M. E. (1994). Spirituality and religiosity: Relative relationships to death anxiety. *Omega*, 29, 313-318.
- Templer, D. I. (1970). The construction and validation of a death anxiety scale. *Journal General Psychology*, 82, 165-177.
- Templer, D. I. (1972). Death anxiety in religiously very involved persons. *Psychological Reports*, 31, 361-362.
- Thorson, J. A. & Powell, F. C. (1993). Personality death anxiety and gender. *Bulletin of Psychonomic Society*, 31, 589-590.
- Thorson, J. A. & Powell, F. C. (2006). Elements of death anxiety and meaning of death. *Journal of Clinical Psychology*, 44, 691-701.
- Thorson, J. A., & Powell, F. C. (1990). Meanings of death and intrinsic religiosity. *Journal of Clinical Psychology*, 46, 379-391.
- Thorson, J.A., & Powell, F.C. (1989). Death anxiety and religious in an older male sample. *Psychological Reports*, 64, 985-986



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی